دگرباش‌های سیاسی فعال شده‌اند

آب فمینیسم نان بهاییت!

مالک شیخی‌زازرانی*: هنوز مدت زیادی از انتشار تصاویر دیدار فائزه هاشمی‌رفسنجانی با رهبران بهایی نمی‌گذرد که روز جمعه، «شادی صدر» همکار سابق فائزه هاشمی با انتشار تصویری اهانت‌آمیز گستاخی خود را نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و اعتقادات شیعیان جهان به بی‌شرمانه‌ترین نحو به تصویر کشید. این اهانت بی‌شرمانه در حالی رخ داد که چندی پیش این عنصر خودفروخته که حالا در شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای به‌عنوان فعال حقوق بشر نیز معرفی می‌شود، در پارلمان انگلیس برای هشتمین سالگرد حبس ۷ رهبر بهایی حضور یافت و حالا بعد از اینکه همکار سابق وی، فائزه هاشمی تصاویر دیدار خود با بهایی‌های تهران را منتشر می‌کند، او نیز جرأت می‌یابد دست به چنین عمل وقیحی زده و آن را علنی کند. شاید این روزها که بر اثر تساهل و تسامح دستگاه فرهنگی کشور، عده‌ای جرأت پیدا کرده‌اند با عبور از توهین به انقلاب و نظام، به مخالفت علنی با ارزش‌های اسلامی بپردازند، رمزگشایی از فتنه ۸۸ کار سختی نباشد. روزهایی که جریان منتسب به اصلاحات، پرچم عزاداری اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را در عاشورای ۸۸ به آتش کشید اما رهبران و عوامل فتنه، این واقعه را حرکت «مردم خداجو»(!) نامیدند، گویی امروز ابرها کنار رفته و مشخص شده است این جریان ضدانقلاب ریشه در جریان اصلاحات داشته و حرکت‌های سازماندهی‌شده و زنجیره‌ای این جریان بیش از پیش بر مردم عزیز کشور نمایان می‌شود.

■ **و اما شادی صدر...**

شادی صدر فعالیت خود را در روزنامه «زن» و در شاگردی فائزه هاشمی‌رفسنجانی آغاز و سال ۸۴ با حمایت از ستاد هاشمی‌رفسنجانی جهت‌گیری سیاسی خود را علنی کرد. ۴ سال پس از ناکامی جریان اشرافیت در انتخابات، وی پس از گذراندن محکومیت در فتنه ۸۸، به آمریکا گریخت و در پی مواضع تند علیه ایران، از وزارت خارجه آمریکا جایزه شجاعت گرفت؛ روزهایی که رسانه‌های افسادطلب غرب، هیاهویی به راه انداختند که چرا ماموران هنگام دستگیری شادی صدر، مراعات حجاب او را نکرده‌اند! شادی صدر که خود را یک فمینیست اصلاح‌طلب معرفی کرده است در برخی مواضع نشان داده دغدغه او از فمینیسم، دفاع از حقوق زنان نیست بلکه این موضع‌گیری‌ها بیشتر ژست اپوزیسیون است تا بتواند از حمایت‌های دشمنان ایران برخوردار شود. فمینیسمی به سیاق دوست قدیمی خود، «مسیح علی‌نژاد» که او نیز این روزها تکلیف هیچ چیزش مشخص نیست، یک روز بر طبل فمینیست‌ها می‌کوبد و روز دیگر بر طبل همجنس‌بازان.

■ **شادترین نظریه شادی صدر!**

شادی صدر مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فمینیستی مجازات سنگسار» دارد که با حمایت از نظریه چندشوهری زنان، می‌نویسد: «طبق قوانین ایران، مردان می‌توانند تا ۴ همسر دائم و تا بی‌نهایت همسر غیردائم داشته باشند. چنین حقی از یک سو این آزادی عمل را به مردان می‌دهد که با شرکای جنسی متعدد رابطه داشته باشند، از سوی دیگر، صرف حق داشتن همسران متعدد، مردی را که متهم به برقراری رابطه خارج از چارچوب ازدواج است، در پیشگاه نظام قضایی برآمده از فرهنگ، عملاً از هیبت یک مجرم مهم به شکل فردی درمی‌آورد که اشتباه کوچکش تنها این بوده که رابطه جنسی را که حق او بوده، شرعی نکرده است. ضمن اینکه همین موضوع امکان گریز وی را از مجازات با طرح این ادعا که صیغه‌ای خوانده شده فراهم می‌آورد. اما زنی که با این اتهام در پیشگاه قاضی قرار می‌گیرد که با وجود داشتن شوهر، با مرد دیگری رابطه جنسی داشته است، از نظر وی و از نظر فرهنگ حاکم بر جامعه، مرتکب یکی از مهم‌ترین جرائم شده زیرا اصولاً از حق داشتن همسران متعدد برخوردار نیست و کنترل بدن و سکسوآلیته او باید صرفاً در اختیار یک مرد باشد. چنین زنی ناقض تمام هنجارهای حاکم بر جامعه است و باید به شدیدترین وجه با او برخورد شود. ضمن اینکه هیچ گریزگاهی نیز برای او وجود ندارد. همچنین مناسبات تبعیض‌آمیز حاکم و قدرت اقتصادی و روابط اجتماعی- که معمولا نزد مردان بیش از زنان است- به مردان امکان برخورداری از حق دفاع و وکیل مناسب و دفاع متناسب را می‌دهد، در حالی که زنی که فاقد منابع اقتصادی و اجتماعی است، نمی‌تواند از حق خود برای داشتن وکیل یا برخورداری از دفاع متناسب استفاده کند. به این ترتیب، مردسالاری و تبعیض مجموعه‌ای را به وجود می‌آورند که بر سکسوآلیته زن بویژه هنگامی که در چارچوب ازدواج قرار می‌گیرد کنترل حداکثری اعمال می‌کند». بعدها زمانی که روزنامه کیهان در شماره مورخ ۵ اردیبهشت ۸۶ و در ستون اخبار ویژه از شادی صدر به عنوان طرفدار تز چندشوهری زنان یاد کرد، وی از این روزنامه شکایت کرد. مدیرمسؤول کیهان در دادگاه با اشاره به مقاله فوق‌الذکر شادی صدر گفت: «خانم صدر در شکوائیه خود تأکید می‌کند: «از آنجا که چندشوهری زنان در جامعه ما امری مذموم، موهن و ناپسند است، اسناد تبلیغ آن به شخص مصداق توهین نیز است» به بیان دیگر، از نگاه ایشان «چندشوهری زنان» فی‌نفسه و به طور مطلق زشت و ناپسند نیست، بلکه فقط از آنجا که در جامعه ما مذموم و ناپسند است(!) اسناد آن توهین تلقی می‌شود. مثلاً اگر حمایت از چندشوهری زنان در یک جامعه دیگر به ایشان نسبت داده شود توهین‌آمیز نخواهد بود! البته خانم صدر توضیح نمی‌دهد که در کدامیک از جوامع بشری «چندشوهری زنان» مذموم و ناپسند و حتی مشمئزکننده و نفرت‌انگیز نیست!» این موضع‌گیری‌های ناهماهنگ و گاه متناقض شادی صدر موارد متعددی را شامل می‌شود به طوری که وی سال ۹۲ با مطرح کردن بحث مشکلات آب و هوای شهروندان خوزستان (در راستای سیاست دیکته‌شده آمریکایی‌ها برای دامن زدن به موضوعات تجزیه‌طلبی) موضوع تجزیه‌طلبی را مطرح و موجبات به جان هم افتادن اپوزیسیون را مهیا کرد. وی در انتهای مطلبی در صفحه فیس‌بوک خود با عبارتی احساسی و سوءاستفاده از مشکلات مردم خوزستان چنین نوشته است: «هوای شهرت آلوده باشد و آرزو نکنی از ایران لعنتی جدا بشوی». جدای از اینکه این جمله، نشان می‌داد شادی صدر آنچنان هم که نشان می‌دهد علاقه‌ای به وطن خود ندارد(چرا که هیچ کس وطن خود را لعنتی نمی‌خواند)، این عبارت به تنهایی کافی بود تا موجی از انتقادات و ناسزاها از افراد با تفکرات مختلف به سمت وی جاری شود. «سارا سماوات» یکی از دوستان صدر که به گفته خودش مدتی هم در زندان به سر برده و از نظام دل خوشی ندارد به صراحت زبان به اعتراض گشود و ابراز داشت: «آیا راه اعتراض به هوای آلوده تجزیه‌طلبی است؟ خانم صدر برای‌تان واقعاً متأسفم که از تجزیه‌طلبان دفاع می‌کنید. من هم حقوق بشر خواندم و می‌دانم حقوق بشر جهانی است ولی راهش جداسازی نیست چرا که در این صورت هر شهری با مشکلاتی که درگیر آن هستند باید ساز جدایی‌طلبی را کوک کند». و در ادامه این واکنش‌ها، میرا قربانی (روزنامه‌نگار روزنامه‌های زنجیره‌ای) هم چنین می‌گوید: «خانم صدر واقعیت این است که برای امثال شما مشکلات هر منطقه‌ای که ظرفیت جدایی داشته باشد مهم‌تر است اگرنه چرا از مشکلات مردم کرمان و گیلان و یزد و... دم برنمی‌آورید؟ چه فرقی است بین بشر یزد با بشر کرمان؟ شما که فعال حقوق بشر هستید! و حقوق خوانده‌اید!» در کنار سیل انتقاداتی که به این مطلب شادی صدر واقع شد افرادی نیز از صحبت‌های او حمایت کردند که نام و سابقه این افراد خود گویای بسیاری از واقعیت‌هاست. «کامل البوشوکه» (تروریست فراری ساکن لندن که ۳ نفر از هموطنان عرب را قبل از فرار به تیربار بست و سپس از طریق عراق به اروپا گریخته است و تصویر احترام او به مجسمه صدام بسیار معروف است) مطلب شادی صدر را تحسین کرده و آن را مطالبه میلیون‌ها عرب اهوازی(!) می‌داند.

■ **فمینیست بودن یا نبودن!**

فمینیسم را گاهی جنبشی سازمان‌یافته برای احقاق حقوق زنان معنا کرده‌اند و گاهی نظریه‌ای دانسته‌اند که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی می‌پردازد. به طور کل نظریات و تئوری‌های فمینیسم بر ۲ محور «قبول تفاوت زنان با مردان» و «برابری حقوق زنان و مردان» بنا شده است به طوری که وقتی موج اول فمینیسم در سال ۱۸۳۰ آغاز شد، به دستیابی زنان به آموزش و کار، بهبود موقعیت زنان متاهل در قوانین، حق برابر با مردان برای طلاق و... اشاره داشت. با شروع موج دوم فمینیسم در سال ۱۹۶۰، آرای افراطی این جنبش بیشتر هویدا شد. رد کلیت ازدواج و تاکید بر تجرد از جمله دیدگاه‌های موج دوم فمینیسم بود که این نظرات به قدری به سمت افراط رفت که حتی بر ظاهر مردانه در پوشش و آرایش تاکید داشت. موهای کوتاه، کفش بدون پاشنه و کت و شلوار زمخت و تیپ ظاهری زنان فمینیست دهه ۱۹۷۰ بود. اما با آغاز موج سوم فمینیسم در اواخر قرن بیستم شکاف‌های زیادی در این جنبش پدیدار شد و افراط تا جایی بود که نهضت مردان نیز در حال شکل‌گیری بود. برخلاف موج دوم در این مقطع زمانی، فمینیست‌ها به دنبال نقش زنانه بودند و بر رفتار ظریف تاکید داشتند. به طور کل این جنبش همواره در افت و خیزهای فراوان خود به ثبات نرسیده است اما اینکه فمینیست‌های ایرانی نظیر شادی صدر در کدام نقطه این نمودار قرار می‌گیرند، قابل تامل است. گویا فمینیست بودن این عنصر خودفروخته در حد عکس‌های سلفی با کتاب «سیمین دو بوآر»، مادر فمینیسم است، تا با انتشار آن در فضای سایبری، شهرتی برای عفت از دست رفته خود برپا کند و حال که ژست‌های فمینیستی و حقوق بشری را نخنما می‌یابد، به توهین به عقاید بیش از صد میلیون شیعه روی آورد تا شاید از رهگذر این رفتار ضداخلاقی و ضدانسانی، مانند دیگر همقطاران خود فقط ابراز وجود کند. اما کجاست آن شعارهای پوپولیستی جریان اصلاح‌طلب در تایید احترام به عقاید دیگران، تا ببینند فرزندان این جریان سیاسی به کجا رسیده‌اند؟

***دانشجوی دکترای مدیریت فرهنگی**

■ ■ ■

در بیان ضرورت و اهمیت بازیابی تربیتی مقطع نوجوانی

نوجوانی، فصل شکار یهود

■ مجتبی جهان‌تیغ ■

۱- ریشه‌ای‌ترین و مقدم‌ترین نظام در بین نظام‌های تشکیل‌دهنده جامعه از نظر اسلام، نظام تربیتی است. بر خلاف جوامع مادی‌گرا که نظام اقتصادی، محور است و نظام سیاسی محافظ آن. اما به‌دلیل تحمیل ساختارهای مدرن، مساله تربیت به حاشیه رفته است. نهادهای متولی تغییر کرده‌اند. خانواده‌ها و مساجد از محوریت، خارج و با مدیا و رسانه‌ها جایگزین شده‌اند. لذا شاکله شخصیت افراد توسط نظام‌های مدرن و مادی‌گرا متفاوت از آنچه در اسلام مورد انتظار است ایجاد خواهد شد. انگیزه‌ها و گرایشات، تخیلات، تصورات، رفتارها و کنش‌های منتج از آنها هم بر مدار انگاره‌ها و مشهورات زندگی مدرن قرار خواهند گرفت. انگاره‌هایی نظیر «غریزه‌گرایی»، «فردگرایی»، «عقلانیت معاش طمع‌محور»(نه معادنگر)، «عقلانیت سود و فایده‌محور»، «اخلاق لذت‌گرا»، «شهرت‌طلبی» و «جاه‌طلبی»، و مساله‌ای مبنایی به نام «اصالت ادراک تصویری» و تعقل «غریزه‌گرا» و «تصویری» و در یک کلام «تفکر دنیوی منقطع از وحی».

۲- با وقوع انقلاب اسلامی اراده بر نظام‌سازی منطبق بر اسلام شیعی قرار گرفت. هر چند نظام‌سازی زمان‌بر بوده و نیاز به جهاد علمی دارد ولی نفس خودآگاهی به این مطلب و پرهیز از التقاط و نیز برنامه‌های تربیتی متناسب دوران گذار بسیار ارزشمند و لازم است.

۳- محوریت رشد انسان، رشد انفسی و درونی است که متناسب با افزایش ادراک بوده. برای گذر از هر مقطع ادراکی نیازمند مدیریت و پایش است. از کودکی به نوجوانی، از نوجوانی به جوانی، از نظر سنی، معادل با گذر از حس‌گرایی به تخیل‌گرایی و از تخیل‌گرایی به عقل‌گرایی از نظر قدرت ادراک است. با ورود به سن عقل‌گرایی، سن تکلیف و آغاز دین‌ورزی و عمل به شریعت الهی نیز آغاز می‌شود. در حالی که سایه تخیل و وهمیات هنوز پابرجاست و عقل‌گرایی در ابتدای راه و خام است. این عقل‌گرایی آغازین در صورت شکوفا شدن منجر به سوال‌های فلسفی و بنیادین می‌شود و هرگونه پاسخ منجر به ایجاد جهانبینی و فلسفه زندگی برای فرد می‌شود که در طول زندگی از آن ارتزاق می‌کند. در صورتی که به این سوالات عمیق نوجوان حاصل از تکانه‌های تولد عقل وی پاسخ سطحی داده شود، شخصیت فرد، سطحی شکل می‌گیرد.

۴- در شرایط کنونی و بافت مدرن جامعه و سیطره رسانه‌ها و مدیا بر اتمسفر فرهنگ کشور با توجه به آیتم‌هایی که در دالان زندگی افراد در مقطع حساس نوجوانی دریافت می‌کنند(به عنوان خوراک فرهنگی و اشباع فضای جامعه از این محصولات و سهل‌الوصول بودن) خطرات زیادی از نظر ایجاد حب و بغض‌های باطل در قلب نوجوان تا پایان زندگی و خارج شدن از صراط مستقیم الهی وجود دارد. «موسیقی»، «فیلم»(محصولات هالیوود: سینمایی و سریال با محتوای خشم و شهوت) و «بازی‌های اینترنتی» به‌عنوان پرمصرف‌ترین محصولات مدرن بخش اعظم ساعات سال‌های زندگی نوجوانان را تا سال‌های میانی جوانی به خود اختصاص می‌دهند. این محصولات کاملا تصویری و شنیداری هستند و از مجرای حسی (و نه مجرای عقلانی مانند کلمه و کتاب) وارد قلب و لایه شغاف قلب نوجوان شده و این تکرار چندین ساله تصاویر هالیوودی، اشعار و ترانه‌های به‌اصطلاح عاشقانه و هوس‌محور ریشه‌های مستحکمی در قلب نوجوان خواهد تنید که حتی در صورت کاهش یا قطع مصرف این محصولات در بزرگسالی انگاره‌ها و مفاهیم ارتزاق‌شده در ساعات شبانه‌روز ایام نوجوانی فکر و رفتار و توجه و کنش فرد با افراد و محیط و زندگی را در سایر مقاطع زندگی کنترل می‌کند. کلیدواژه‌هایی چون غریزه‌گرایی و لذت‌طلبی و دم‌غنیمتی و فردمحوری و خودمحوری و ارضای غرایز و هواپرستی و رسیدن به رؤیاها و خواسته‌ها... چکیده بخش زیادی از پیام‌های اشعار، ترانه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های موجود است که کلیت پیام خود را در جان بیننده و شنونده‌های خود به جا می‌گذارد.

۵- یهود(قرائت صهیونیستی) به عنوان مغز متفکر دنیای مدرن، با مدیریت ادراک بشر معاصر، حب، بغض، تخیل و تفکر بشر معاصر را از دوران کودکی و نوجوانی شکار می‌کند.

تاکید سرمایه‌گذار «دین تصویری دنیا» یعنی یهود (مسیحیت دین احساس‌محور و اسلام دین عقلانیت و فطرت‌محور) بر حس و تصویر باعث صنعتی شدن و جهانگیر شدن صنایع مرتبط با آن شده است. کمپانی‌های یهودی فیلمسازی هالیوود با سرمایه‌های میلیاردی و امپراتوری‌های رسانه‌ای یهودی نظیر «مرداک» و صدها شبکه ماهواره‌ای و سریال و مجله و روزنامه تحت تسلط یهود، بشر معاصر را از کودکی و نوجوانی وارد عالم ترسیم‌شده خود کرده و وی را تا پایان عمر خود برده خود می‌کنند. افراد در زندگی با انگاره‌های الهام‌شده در کودکی و نوجوانی تا پایان عمر برای رسیدن به این انگاره‌ها تلاش می‌کنند. رسیدن به همسران و معشوقه‌های زیبای ترسیم شده و الهام شده و منطبق شده با فیزیک «body image» شخصیت‌های کارتونی دیزنی و پیکسار، کارتون‌های شبکه ماهواره‌ای، شخصیت‌ها و سناریوهای سریال‌ها و فیلم‌های کمپانی‌های هالیوود، دعوت به تجربه هیجان و لذت افسارگسیخته با ماجراجویی، مصرف‌گرایی، مصرف موادمخدر و الکل، تنوع‌طلبی جنسی (تحت عنوان عشق سیال)، کسب سود و ثروت و شهرت ستارگان دنیای سینما و خوانندگان و ورزشکاران به‌عنوان انسان‌های تراز و کامل دنیای مدرن(کامل از نظر جسمانی) منتج به شکل‌گیری انسان‌های مسخ شده و غرق در وهمیات که لذت از زندگی دنیوی را هدف قرار داده و شبانه‌روز برای رسیدن به اهداف خود تلاش و تقلا می‌کنند می‌شود؛ زندگی به مثابه مصرف بیشتر برای لذت بیشتر در دنیای توهمی و بزک‌شده توسط رسانه‌ها در جهان طبقاتی سرمایه‌داری غرب.

۶- موسیقی، سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی و محتوای اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای ابزارهای پوک ساختن نوع بشر بویژه در نوجوانی و قبل از استوار شدن قوه عاقله افراد بر قوای ادراکی فرد هستند. و مرحله پوک شدن افراد ریشه‌ای‌ترین و محکم‌ترین ضربه به انسان است، چراکه این مرحله پوک شدن باعث می‌شود نفس اماره انسان، بدون مقاومت قوای درونی در انسان به حکومت برسد. و مقدمه پذیرش و گسترش نفوذ طاغوت در زندگی افراد و جوامع، مرحله پوک شدن است.

«پوک شدن و سبک شدن آدم‌ها از درون»، علامت‌هایی دارد؛ یکی از آنها این است که آدم‌هایی که از درون پوک می‌شوند، از بیرون اطاعت می‌پذیرند: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛ فرعون قوم خودش را کوچک و سبک کرد. به همین دلیل آنها از او اطاعت کردند».(زخرف/ ۵۴)

و ریشه استعمار و استثمار، استحمار و پوک شدن است. (بیانات مرحوم استاد صفایی‌حائری)

۷- اگر ملزومات رسیدن به صراط مستقیم زندگی را از جنبه حقیقی یعنی باطنی و اسلامی بررسی کنیم(نه جسمانی: ثروت، محیط، دانشگاه و شهر و...):

خلوت و توجه: جهان مدرن با نفی حیات معنوی و بازتعریف نیازهای انسان، نیاز انسان به این مهم را نفی می‌کند و موسیقی و تخیل و فیلم و سریال پرکننده این خلوت و تنهایی است. به ۲ عبارت پرمصرف برای نوجوانان و جوانان و دانشجویان و حتی خانواده‌ها، «سرگرم‌کننده» و «اوغات فراغت» توجه کنیم؛ عباراتی که در تقابل با نیاز به خلوت و توجه است.

۱- فکر: شناخت معبودها: جهان تصویری مدرن با محوریت تخیل جلوی ورود به وادی تفکر و شناخت معبود حقیقی را می‌گیرد. زیبایی، ثروت و لذت معبودهای دنیای مدرن است. در یک کلام هوای نفس و آزادی امیال و اباحه‌گری (لیبرال‌اندیشی) معبودهای انسان مدرن است.

۲- عقل: سنجش معبودها

۳- ملاک انتخاب

۴- ایمان و انتخاب

۵- جهاد و مبارزه

۶- بلا و ضربه‌ها

۷- عجز و اضطرار

۸- اعتصام و استعانت

(مراحل برگرفته از کتاب صراط استاد صفایی‌حائری)

در دنیای جسمانی و امیال‌محور و با نفی دنیای باطن و معنوی و عالم غیب و وحی و سایر مفاهیم دینی و همچنین فلج کردن قوه تعقل با بمباران تصویری، حسی و شنیداری، صحبت از «عقل برای سنجش»، «معبود و پیدا کردن ملاک انتخاب معبود» و «رسیدن به ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت» و «جهاد و تحمل بلا و ضربه و عجز حاصل از بلا و اعتصام و استعانت به درگاه خداوند متعال در برابر این بلاها» از موضوعیت و معنی خارج می‌شود.

۸- ما نیازمند تغییر بنیادین در نگاه به دوران نوجوانی هستیم. اسناد بالادستی نظام، آموزش‌وپرورش و نهادهای فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی با علم به ورطه بودن مفاهیم و ساختارها و محصولات مدرنیته برای رشد انسان مسلمان و نیز علم به نحوه شکار انسان معاصر توسط مدرنیته یهودزاده و راه‌های مسخ و مسخر کردن‌ها با تهیه پادزهر و نیز تغییرات محتوایی و ساختاری در نهادهای مربوط و سیاست‌گذاری عالمانه و نیز کنترل ادراکی و فرهنگی جامعه برای جلوگیری از شکار شدن نوجوانان جامعه که نومسلمانانی شناسنامه‌ای بیش نیستند و برای مسلمان شناختن آنها هیچ منزلت‌گذاری در خانواده و مدارس و دانشگاه و شهر و جامعه نشده است، باید اقدام جدی و عاجل و عالمانه انجام دهند. در این میان بیش از هر چیز نیازمند حکمت حکیمان الهی هستیم تا سواد تکنوکرات‌ها. کتاب‌های حکیمان معاصر همچون استاد علی صفایی‌حائری، آیت‌الله‌العظمی جوادی‌آملی و علامه جعفری که در پاسخ به سوالات بنیادین و فلسفی نوجوانان و جوانان، همچون «فلسفه و هدف زندگی» و «زندگی ایده‌آل و ایده‌آل زندگی» و نیز «مسؤولیت و سازندگی» و «صراط» و «رشد» و «نامه‌های بلوغ» تکلیف انسان معاصر را با زندگی و مراحل و منزل‌های زندگی حقیقی مشخص می‌کند و فرد را در برابر دنیای مه‌آلود مدرن بینا و ویروس‌ها و وهمیات آن واکسینه می‌کند باید مرجع راه‌حل‌های کلان کشوری قرار گیرد. همچنین ضرورت عزم جدی رسانه ملی برای واکسینه کردن نوجوانان برای رویارویی با رسانه‌ها و تادیب و تحصیل حب نوجوانان به ارزش‌های اسلامی بسیار پررنگ است. نهادهای متکلف تربیت اعم از خانواده‌ها، آموزش‌وپرورش، وزارت ارشاد، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و بویژه مساجد باید تربیت و تهیه خوراک فرهنگی مبتنی بر عقلانیت قرآنی و معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام را به‌صورت روش‌مند و حکیمانه در دستور کار قرار دهند که این امر نیازمند فعالیت هدفمند پژوهشگاه‌ها و نویسندگان و متفکران اسلامی و متعهد است.

اشاره

۱۰ شاخصه یک خانواده منتظر

۱- خانواده‌ای است که سیره اهل بیت علیهم‌السلام و سنت نبوی الگوی ایشان در اعمال و رفتار باشد؛ و هیچگاه خود را از قرآن و عترت جدا فرض نکند. پس خانواده‌ای که ایشان را سرلوحه برنامه زندگی خود قرار دهد می‌تواند منتظر محسوب شود. امام سجاد(ع) در این زمینه فرموده‌اند: «برای ما زینت باشید و مایه ننگ ما نشوید!»

۲- بالا بردن سطح دانش مهدوی از برنامه‌های آن باشد؛ به قول آیه ۹ سوره زمر «آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند یکسانند؟» از جمله کسب علوم، معرفت به امام عصر(عج) است که تنها با دانستن نام و نسبت حضرت، علم کامل نمی‌شود بلکه با تبیین شناخت آن حضرت و جایگاه وجودی ایشان و نیز اثر محوری ایشان بر موجودات عالم می‌توان علم به ایشان پیدا کرد.

۳- خانواده‌ای است که به مقوله خودسازی در آن توجه خاصی می‌شود. نتیجه کنترل خود و محیط اطراف با این مقوله خود نوعی تحول است و لازمه تحول، هدفمند بودن و آمادگی از لحاظ روحی و فکری است. توجه به بیماری‌های نفس و تلاش برای رفع آنها باید به عنوان یک برنامه تعریف شده در خانواده منتظر اجرا شود؛ چراکه خودسازی برای چنین هدفی نیازمند عمیق‌ترین برنامه اخلاقی، فکری و اجتماعی است.

۴- خانواده‌ای است که خود را با لباس تقوا، ریاضت و پرهیزکاری زینت داده باشد. ساده‌زیست بوده و با دوری از رفاه و تجمل‌گرایی روحیه زهد و دنیاگریزی را در خود تقویت کند. اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان سر می‌زند یکی از اسباب یا تنها علت طولانی شدن غیبت ایشان شمرده می‌شود. لذا در روایتی از امام صادق(ع) آمده است «..به وسیله ورع و تقوا دشمنان‌مان را در رنج و فشار قرار دهید».

۵- خانواده‌ای است که مطابق آموزه‌های قرآنی، صبر را از عوامل آزمایش الهی به حساب می‌آورد و لذا در عمل کامیاب‌تر خواهد بود. چنانکه در آیه ۱۵۵ بقره آمده است: «قطعا همه شما را با ترس، گرسنگی، کمبود مالی، جانی و میوه‌ها ابتلا می‌نماییم و بشارت باد بر پایداران». لذا مقاومت مسلمین در برابر ظلم‌ها و فسادها به ایشان جرأت ایستادگی در برابر دشمنان اسلام را می‌دهد و خانواده منتظر باید بردباری را به عنوان سرمایه روحی بزرگ سرلوحه اعمال خود قرار دهد.

۶- خانواده‌ای است که تربیت حماسی داشته باشد. مفهوم انتظار به معنای دعوت به نپذیرفتن باطل، دوری از بردگی و خواری است. لذا خانواده منتظر همیشه باید آماده پیکار و رزم با باطل و ظالمان بوده و سلاح خود را زمین نگذارد.

۷- خانواده‌ای است که مدعیان دروغین را به‌خوبی بشناسد و خام حرف‌های پوچ و واهی ایشان نشود. در بسیاری از روایات آمده است در زمان غیبت کبری از کسی که ادعای امامت و نیابت خاصه امام را دارد پیروی نکنید. چنانکه بعد از اتمام غیبت صغری تاکنون مدعیان دروغینی بر مهدویت ظهور پیدا کرده‌اند؛ والدینی که با اهداف و ابعاد فکری این گروه افراد آشنایی نداشته باشند ممکن است به دلیل آمادگی افکار جوانان برای انحراف به هر سو؛ دچار بحران شده و رهایی از وضع ایجاد شده برای والدین میسر نشود.

۸- خانواده‌ای است که روابط خانوادگی با صالحان را ترک نکند. از آنجا که انتخاب همنشین و گروه‌های شایسته برای خانواده بسیار پراهمیت است لذا والدین باید زمینه را برای آمد و شد و ارتباط با چنین افرادی فراهم کنند، چنانکه این امر در روایات برای زمان انتظار امری است تایید شده.

۹- خانواده‌ای است که به امر به معروف و نهی از منکر اهمیت می‌دهد. لذا ابتدا از افراد درون خود شروع کرده و سپس به هدایت و امر به معروف دیگران می‌پردازد. در آیه ۶ سوره تحریم آمده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خود را نگاه دارید از آتشی که مردم و سنگ خارا فروزنده آنند».

۱۰- خانواده‌ای است که دوستی خود به امام را با دادن روزانه صدقه برای سلامتی ایشان ابراز می‌کند و بخشی از دارایی خود را برای این امر هدیه کرده و بر این امر مداومت می‌کند. به طوری که به نقل از روایت صله ایشان در این زمان از صله ایشان در زمان دولت حقه و تسلط ایشان بهتر است.

منبع: پایگاه فرهنگی «باحجاب»

۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

ارتباط با ما در شبکه‌های اجتماعی